

□ یک جرعه قرآن در روزهای رمضان

قرآن مجموعه‌ای از کلام پروردگار متعال و دریایی از علوم و معارفی است که هر قدر در آن بیشتر غور شود، و هر چقدر بیشتر با آن انس گرفته شود، خود را بیشتر نمایان کرده و مواهبش را به انسان خواهد رسانید.

در قالب‌های مختلف می‌توان از این کتاب آسمانی بهره برد، ما لحظاتی از این مجال که بهار قرآن است را با جرعه‌ای از این دریای رحمت صرف خواهیم نمود، باشد که ذرات این بحر آسمانی، موجب شفا و نورانیت قلب و تغییر احوالمان گردد.

MoshtaganZohoor@

کارنامه ی انبیاء

حفظ کرامت انسانی یعنی **حریت، آگاهی، قدرت**، که خداوند به انسان عطا فرموده، از عمده رسالت‌های انبیاء عظام بوده است که برای این هدف مقدس، تلاش‌های فراوان نموده و زحمت‌های زیادی را متحمل شدند.

این سه ویژگی کرامت، در حقیقت، آستانه‌ی تحریک هر انسانی بوده و جزء حریم‌های او به شمار می‌آید و هرچیزی که این‌سه مورد را تحریک کند، از نظر اسلام، ضد دینی محسوب می‌گردد.

انسان با رشد و تقویت کرامتش است که می‌تواند قله‌های انسانیت را پیموده و تا جانشینی خدا در روی زمین که از دیگر رسالت‌های انبیاء می‌باشد صعود نماید.

مأموریت انبیاء، ابلاغ جاننشینی خدا در روی زمین می‌باشد؛ و جانشین باید قدرت و حریت و آگاهی (کرامت) داشته باشد با این تفاوت که جانشین خداست و باید به خدا پاسخگو بوده و بعبارتی گزارش کار بدهد.

آنچه لازمه‌ی محقق شدن این هدف پیامبران است، ایجاد تمدن می‌باشد، همان مدنیتی که، پیشرفت و توسعه و سعادت انسان در آن به منصفه ظهور برسد.

از نشانه‌های این مدنیت «ایمان» است. ایمان به معنای آرامشی است که در آن انسان به گذشته حسرت و از آینده ترس نداشته باشد؛ لذا در هر جا مؤمنی باشد در حقیقت بخشی از بستر مدنیت پهن و آماده شده است.

پایه دوم مدنیت «قانون» می‌باشد؛ وجود نظم و تدبیر و حرمت و محدوده‌ها و باید و نبایدها.

و سومین پایه مدنیت «عمران» به معنای رشد و توسعه و تکنولوژی و پیشرفت و آبادانی است.

نکته دیگری که در موضوع مدنیت قابل طرح است مشخصه‌های این تمدن می‌باشد؛ بعبارتی زمانی که تمدنی با پایه‌های ایمان و قانون و عمران ایجاد شد، *تولد، ترتیب و تهذیب* از ممیزه‌های آن تمدن به حساب می‌آید و ارزیابی مدنیت و تمدن یک جامعه با این سه عنصر انجام خواهد گرفت.

تولد یعنی تولید در هر زمینه: تولید فکری، تولید و رشد اقتصادی، اجتماعی، آموزشی.

ترتیب یعنی به اولویت‌بندی کشاندن امورات و نظم و ترتیب و سیستم و نظاممند کردن آنها و تغییر دادن بر طبق شرایط و زمان و اقتضائیات.

و تهذیب هم به معنای طیب و طاهر و پاکیزه بودن از جهت اخلاق و اخلاق حرفه‌ای داشتن در هر امری.

پیامبر خدا (ص) برای ایجاد مدینه^۱ النبوی و مدنیت، انسان را سفارش به قیام جهت ایجاد چنین تمدنی دعوت می‌فرماید:

* در این بخش، به بررسی اهمیت اخلاق در زندگی مسلمانان و نقش آن در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی پرداخته می‌شود. همچنین به بررسی مصادیق اخلاق و مکارم اخلاقی در قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (ع) اشاره خواهد شد. *
* در این بخش، به بررسی اهمیت اخلاق در زندگی مسلمانان و نقش آن در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی پرداخته می‌شود. همچنین به بررسی مصادیق اخلاق و مکارم اخلاقی در قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (ع) اشاره خواهد شد. *

* در این بخش، به بررسی اهمیت اخلاق در زندگی مسلمانان و نقش آن در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی پرداخته می‌شود. همچنین به بررسی مصادیق اخلاق و مکارم اخلاقی در قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (ع) اشاره خواهد شد. *

آخرین مورد از کارنامه ی انبیاء، اخلاقیات می‌باشد. حفظ اخلاق و ترویج و اتمام مکارم اخلاقی از رسالت انبیاء بوده و حتی می توان گفت که احکام نیز در این راستا وضع شده است. در حقیقت لایه ی اول دین، اعتقادات، لایه ی دوم اخلاق و در لایه ی سوم احکام قرار گرفته است و نکته ی قابل توجه اینکه جلوه ی اعتقادات و احکام باید در اخلاق درونی و بیرونی انسان ها دیده شود، آن هم به صورت کاملاً حرفه‌ای. آری اخلاق است که در تأثیرگذاری و دین پذیر کردن دیگران نیز نقش عمده را ایفا می‌کند. مثلاً اخلاق روزه‌دار، اخلاق نمازگزار، اخلاق پزشکی، اخلاق مدیریت، اخلاق معلم و... . و بدین ترتیب انبیاء و در ختم آنها پیامبر اکرم (ص) با چنین کارنامه ی درخشانی به سوی بشریت مبعوث گردیدند.

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۹) _ بخش پایانی

❁ ❁ ❁

«السلام علیک یا داعی الله و ربّانی» آیات»

«السلام عليك يا تالي كتاب الله و ترجمانه» «السلام عليك يا صاحب الزمان، السلام عليك يا شريك القران».

در آخرین جلسه ی انس با قرآن، نماد و نمایی از انسان مأنوس شده با قرآن ترسیم می شود، انسانی که با قرآن ارتباط مستمر و پیوند دایمی و محبت آمیز و آرامبخش برقرار کرده و مراحل و مراتب آن را گذرانده است.

چنین انسانی نگاه قرآنی پیدا کرده و اثرات این انس در زندگانش، هویدا و آشکار می شود و به عنوان سنجیه در رفتارش بروز یافته و مطرح خواهد شد.

انسان مأنوس با قرآن به برکت قرآن:

□ انسان قرآنی به حقیقت، خیر، زیبایی، به خود و هموعان خود و طبیعت، عشق وافر پیدا می کند.

□ انسان مأنوس با قرآن عاشق عقلانیت و معنویت و عدالت می شود.

□ انسان مأنوس با قرآن در تلاش برای یافتن حق و خدمت به خلق می باشد تا نزد پروردگار متعال و خالق خود محبوب شود.

□ زندگی انسان مأنوس با قرآن، زندگی اخلاقی تر و معنادارتر، و معنوی تر است.

□ انسان مأنوس با قرآن، همیشه در زندگی با برنامه، با نشاط و با بصیرت است.

□ انسان قرآنی انسانی است که همیشه در پی افزایش لذت های ظاهری و باطنی زندگی است، و از لذت های حرام و غیر اخلاقی و غیر عرفی و ناروا و غیر مقبول پرهیز می کند.

تمام این ویژگی ها مربوط به بعد فردی زندگی انسان قرآنی است. از بعد زندگی اجتماعی هم:

□ انسان مأنوس با قرآن در پی ساختن جامعه ای است که در آن کرامت و عزت و حریت حاکم شود.

□ انسان قرآنی در جامعه، لیاقت ها و استعدادها را پرورش می دهد.

□ انسان قرآنی در جامعه با فساد و ریا و چندچهرگی و نفاق مبارزه کرده و اجازه ی رشد کردن و حیات به آنها نمی دهد.

□ انسان قرآنی جامعه ای تشکیل می دهد که در آن مسئولیت و احساس را جذب و تعلق و سستی و غفلت و هرج و مرج را دفع می کند.

□ در جامعه ای که انسان های قرآنی در آن زندگی می کنند آکنده از زیبایی و نزاهت بوده و علم و فضل حاکم و فضیلت انسان ها بر مبنای

علم و معرفت و جهاد تعریف می‌شود.
انسان قرآنی به برکت انس با قرآن، درد دردمندان را احساس کرده و
آه آنها را با تمام وجود می‌بیند و می‌شنود، لذا کمر خدمت برای رفع
مظلومیت و استضعاف از مظلومین و مستضعفین می‌بندد.

از خداوند متعال توفیق یافتن این صفات و ویژگی‌های انسان‌های
قرآنی را طلب نموده و خواهانیم.

شب عید فطر و جشن عبودیت و بندگی است، بندگانی که به برکت این
ایام، اخلاص در عقیده‌ی خود را تقویت کرده و درس‌های انس با قرآن
را گرفته و بهره‌مند شده‌اند.

از پروردگار منان خواهانیم توفیق استفاده از الهامات و درس‌های
قرآنی در زندگی را عنایت فرموده و کمک نماید تا انس با قرآن را
به صورت مستمر و دایمی در زندگی داشته باشیم.

(والسلام من اتّبع الهدی)

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۷)



«السلام علیک یا داعی الله وربّانی آیاته»

برای ایجاد پیوند قوی و محکم و مستمر و غیر موسمی با قرآن، لازم
است انسان حساسیت داشته و لایه‌های قرآن را بشناسد تا در انس با
قرآن بیشتر بهره‌مند شود.

1 اولین مرحله و لایه، قرائت قرآن می‌باشد. در این مرحله انسان
کلام خدا را شنیده و به فهم معانی آن، صرف و نحو و اصول بیان قرآن
توجه کرده و به آموزش این علوم نیز در حد توان می‌پردازد؛ و به لغت
و زبان عربی و واژه‌های قرآنی حساسیت نشان داده و از آنها بهره
می‌جوید.

2] مرحله ی دوم ترجمه و تفسیر قرآن است، برای روشن شدن این مرحله، لازم به ذکر است که آیات قرآن هم دارای مصادیق و هم دارای مفاهیم هستند، مثلاً: مفهوم آیه «اهدنا الصراط المستقیم»، یعنی نزدیکترین و سریعترین راه برای رسیدن رهروان به مقصد، اما برای یافتن مصداق این آیه باید به راسخون علم و عدل و شریک قرآن مراجعه نمود که در مطالب قبلی بیان شده است. برای استفاده و بهره‌مندی از این مرحله انسان باید آیات قرآنی را بیشتر قرائت نماید و سوالات بیشتری برایش مطرح شود و در آیات، تفکر لازم را داشته باشد.

3] مرحله ی سوم انس با قرآن، روح قرآن می‌باشد، یعنی انسان به بطن آیات تا حد توان ورود نماید و از شکل و ظاهر آیات برای پی بردن به روح آیات، استفاده کند.

مثلاً: در آیات مربوط به اصحاب کهف به این توجه کند که چه عشق و علاقه‌ای این اصحاب را به غار کشید، عبارتی چه نوع شور و علاقه‌ای اصحاب کهف را کهفی نمود.

یا در روح قرآن انسان پی به این نکته می‌برد که در قلب حضرت یوسف(ع) چه عشقی رویید که برخوردارش را با زلیخا مشخص کرد و به سمت گناه نرفت.

در این مرحله خطاب، لحن، موسیقی، شکل، و کوتاه و طولانی بودن آیات با انسان سخن گفته و انسان را به حرکت در می‌آورد. برای استفاده از مرحله ی روح قرآن، باید انسان در پی کسب ارزاق و خوراک فکر و قلب و عقل و روح خود باشد.

4] مرحله ی پایانی لایه‌های قرآن، نور قرآن می‌باشد، و این عالیترین مرحله ی انس با قرآن است، در این مرحله حجاب‌ها برطرف شده و به اسرار و رموز قرآن پی می‌برد، که برای بهره‌مندی از نور قرآن باید حجاب‌های کفر و نفاق و ظلم و معصیت و فسق را برطرف کرده تا بتواند از نور قرآن بهره‌مند شود.

پس انسان به نیت انس با قرآن به حضور قرآن می‌رسد و با او همنشین شده و از این مراحل بهره‌مند می‌شود.

از خداوند متعال می‌خواهیم توفیق عنایت فرماید تا بتوانیم از لایه‌های قرآن بهره‌مند شویم.

ادامه دارد...

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۶)

□□ ❁-❁ □□

«السلام علیکَ یا دِاعِی اللّٰه و ربّانی» آیاتہ»

برای انس با قرآن که موجودی حساس می‌باشد و ارتباط مستمر و محبت‌آمیز و صمیمی با این کتاب، در انسان نیز بایست صفت «حساسیت» (تقوای ابتدایی و اولیه) وجود داشته باشد، چرا که حضرت علی(ع) به عنوان قرآن ناطق «فرد متقی» را با ویژگی «حساس» و «متأثر از محیط اطراف»، معرفی می‌فرماید:

□ «...من سمع و خشع...» .

انسان حساس و انسانی که بی تفاوت به پیرامون خود نباشد ویژگی‌هایی متعددی دارد که به چند مورد دیگر اشاره می‌گردد:

✓ وظیفه‌شناس

✓ دقیق و ظریف

✓ خلاق

✓ زیبا دوست و زیبا آفرین و زیبا محور است

✓ کثیرالفکر

✓ ساکت سکین (علاقمند به سکوت و تنهایی است)

✓ عمیق النظر

✓ جدید النظر

✓ تیزبین

✓ عبرت پذیر

✓ مراقبت از حرکات و سکونات

✓ توجه به شنیده‌ها

توضیح اینکه مثلاً انسان حساس از این روایت «ربّ» تال القرآن و یلعنه» به سادگی عبور نمی‌کند و به شیوه‌های مطالعه و رجوع و تلاوت قرآن حساسیت دارد تا بداند چه شیوه‌ای او را به انس با قرآن می‌رساند و چه تلاوت و قرائتی به فاصله افتادن با قرآن و نفرت و در

نهایت «لعنت قرآن» می‌انجامد.

انسان حساس به این روایت بی‌تفاوت نیست «خیری نیست در قرائت و قاری که تدبر در آن وجود نداشته باشد» و پیام‌هایی را از آن می‌گیرد و همیشه در پی آن است که از این قرائت بهره‌مند شود.

انسان حساس این روایت پیامبر(ص) را آویزه‌ی گوش می‌کند:

«وای بر آنان که آیات الهی را به زبان آورده اما در آنها تدبر نمی‌کند».

لذا انسان حساس با تدبر و توجه بیشتری با آیات قرآنی برخورد می‌کند و از آنها استفاده می‌کند.

و یا حساسیت انسان باعث می‌شود مدلی که قرآن برای قرائت مد نظر دارد را بیابد، که امام رضا(ع) در تفسیر این آیه «فاقرؤا ما تیسّر منه» چنین می‌فرماید:

به میزانی قرآن قرائت کنید که آسان باشد و منظور از «تیسّر» اینکه «خشوع قلب داشته و صفای سر» در تو پیدا شود».

پس انسان حساس در پی یافتن رمز و رازهای ارتباط مستمر بوده و به مراحل انس با قرآن آشنا است و مراحل آن را رعایت و احساس قرب و شادی با قرآن می‌کند.

انسان حساس و علاقمند به انس با قرآن به تمام حوادث و اتفاقات پیرامون خود توجه داشته و در مسیر قرآن از آنان بهره‌مند می‌شود و به آنچه که قرآن خواهان آن است روی آورده و به آنچه مورد پسند قرآن نیست پرهیز کرده و روی برمی‌گرداند.

انسان حساس به «غیرت قرآن» متوجه بوده و همیشه خواهان حفظ غیرت قرآن و انس با این موجود غیرتمند است تا با آن ارتباط مستمر و دائمی پیدا کند.

از خداوند متعال می‌خواهیم به ما حساسیتی عنایت فرماید که با حفظ آن ارتباط حقیقی و مستمر با قرآن بیابیم.

ادامه دارد...

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۵)



«السلام علیکَ یا داعی اللّٰه و ربّانی آیّاته»

ویژگی های انسان حساس در مطلب قبلی گفته شد که قرآن موجودی حساس و با غیرت است و به هر کس اجازه ی انس با خودش را نمیدهد، قرآن اجازه نمیدهد هر شخص با هر سلیقه و با هر مشرب و هر عقیده‌ای، با قرآن ارتباط مستمر و محبت آمیز و آرامبخش پیدا کند. قرآن آن کس را که از طریق امام معصوم و قرآن ناطق به سراغ قرآن نمی‌آید، پس میزند.

همینطور قرآن کسی را که ایمان و اخلاص و تقوا و صداقت ندارد، به دوستی و ارتباط مستمر با خود قبول نمی‌کند. قرآن کسی را که عشق به عقلانیت و معنویت و عدالت ندارد آن را برای پیوند با خود فرا نمی‌خواند، هر چند این فرد ارتباط فیزیکی با قرآن داشته و آیاتش را قرائت و یا حفظ کند. پس با توجه به این حساسیت، قرآن کسی را می‌خواند و می‌پذیرد که حسّاس باشد. این واژه «حسّاسیت» در قرآن با عنوان «تقوا» (تقوای اولیه) مطرح شده است، محل شاهد اوایل سوره بقره:

«ذلک الکتابُ لا ریبَ فیه هُدًیً للمتّقین»

«این کتابی است که شکی در آن نبوده و هدایتی است برای متّقین».

مفسر و ناطق قرآن حضرت علی(ع) نیز در خطبه ۸۳ نهج‌البلاغه در تعریف این «تقوا» چنین می‌فرماید:

«فاتقوا لله تقیّة من سمع و خشی»

«از خدا بترسید، با تقوا کسی است که بشنود و خاشع باشد (متأثر

باشد)».

پس می‌توان گفت انسان متقی انسان حساس است، و این حساسیت به

معنای عدم بی‌تفاوتی و داشتن موضع و دارای بینش و گرایش است که به چنین انسانی «حساس» گفته می‌شود. و انسان دارای حساسیت و عدم خنثی بودن در قبال جریان‌ات و حوادث، با این دنیا که دنیای حساسیت‌هاست، اشتراک داشته و از جهان حساسیت‌ها بهره‌مند است و این حساسیت بقدری مهم است که حتی علما در تعریف انسان از این ویژگی استفاده کرده‌اند:

«الانسان موجود نام^۱ حساس»

«انسان رشد کننده^۲ حساس است».

□ حال این انسان حساس چه ویژگی‌هایی داشته و چه نوع رفتار و برخوردهایی دارد؟

□ انسان حساس به دروازه‌های حواس خود توجه دارد و از مرزهای آن محافظت می‌کند و نمی‌گذارد هر غذا و موضوع و سخنی که حساسیت او را کم و از بین می‌برد، وارد وجودش شود.

□ انسان حساس نگهبان‌های با قدر و قدرت با تمامی امکانات در دروازه‌ها ایجاد می‌کند که از حساسیت خود مراقبت کند.

□ انسان حساس و متأثر به خود توجه زیاد داشته و همیشه در کارهایش غایت و هدفی را دنبال می‌کند و بی‌تفاوت نیست و در حفظ دستاوردهای خود تلاش می‌کند.

□ انسان متأثر و با تقوا، از گذر زمان و مکان درس گرفته و آن را فرصت دانسته و از این فرصت‌ها در نهایت درجه استفاده می‌کند.

□ انسان حساس همیشه بیدار و زنده و در حالت یقظه است و به هیچ‌وجه، نسیان و غفلت گریبان او را نمی‌گیرد چون همیشه در حال ذکر است.

و بخاطر همین ویژگی‌ها هست که می‌تواند با قرآن انس گرفته و ارتباط مستمر با آن داشته باشد، چون قرآن هم حساس هست، لذا جمع دو موجود با ویژگی مشترک، پیوند قوی و ارتباط مستمر ایجاد کرده و این ارتباط به هدایت انسان منجر شده و او را به حیات طیبه می‌رساند. از خدا می‌خواهیم توفیق دهد تا با یافتن و حفظ حساسیت، با قرآن حساس پیوند مستمر و دایمی بیابیم.

ادامه دارد...

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۴)



«السلام علیک یا داعی الله و ربّانی آیاته»

گروه های محروم از انس با قرآن

در راستای موضوع انس با قرآن، توجه به موضوعی به نام حساسیت و ظرافت و دقت قرآن قابل طرح است، توضیح اینکه این کتاب آسمانی به هر کسی اجازه ی انس با خودش را نمی دهد؛ به عبارتی:

قرآن افرادی را که از طریق عدل و شریک قرآن به سمت انس با قرآن نیامده، یعنی به امام معصوم و قرآن ناطق و معبر قرآن، معرفت پیدا نکرده و آن را قبول نداشته باشد، آنها را پس می زند و چنین افرادی نه تنها هدایت نمی شوند بلکه قرآن مایه ی خسارت و ضلالت آنها می شود.

همچنین قرآن فردی را که خواهان انس با قرآن است اما به عقلانیت توجهی ندارد و به معنویت علاقمند نیست و دغدغه و حساسیت عدالت ندارد، اجازه نمی دهد با قرآن انس بگیرد و به آن نزدیک شود.

همچنین قرآن فردی را که در پی ارتباط با قرآن است اما هدفش مشغولیت و مشهوریت بوده و پیوند با قرآن را ابزاری برای رسیدن به منافع مادی خود قرار داده تا به غرایز و هوی و هوسهایش دست یابد، به چنین فردی هم اجازه ی انس با خودش را نخواهد داد، حتی اگر این فرد اصرار به حفظ و قرائت قرآن داشته باشد، چون اخلاص و ایمان ندارد.

اگر قرآن ببیند شخصی دارای شخصیت متزلزل است و ساحت های پنجگانه اش یعنی گرایش، باور، بینش، گویش و کوشش آن در مسیر قرآن نیست و صداقت ندارد و به دنبال حقیقت نیست و عمل منافقانه دارد، چنین فردی را هم از انس با خودش محروم می کند.

در این رابطه آیات متعددی وجود دارد که حاکی از این حساسیت قرآن می‌باشد، از جمله در آیه ۱۲۵ سوره ی توبه چنین می‌فرماید:

«وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَ
مَلَّاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ»

«آنهايي که دچار مرض قلبی شدند قرآن پليدي بر پليدي آنها افزوده
و آنها می‌میرند در حالیکه کافرند»

یا در آیه ۴۴ سوره ی فصلت می‌فرماید:

«... وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْءَانُهُمْ
عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ»
«... آنها که ایمان نیاورده‌اند گوشه‌اشان سنگین است، و چشم‌اشان
کور است، چنانند که گویی آنها را از جایی دور ندا می‌دهند»

در آیه ۴۱ سوره ی اسراء هم چنین ذکر شده:

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا
يَزِيدُهُمْ إِلَّا نِفُورًا»

«ما سخنان گونه‌گون در این قرآن آوردیم، باشد که پند گیرند، ولی
جز به رمیدنشان (نفرتشان) نیفزاید»

با توجه به این آیات و دیگر آیات قرآن در این زمینه، در می‌یابیم که قرآن غیرت زیادی دارد نسبت به کسی که خواهان انس با او است و حساسیت شدیدی که به عدل قرآن و شریک قرآن دارد که لازمست انسان به آن توجه داشته و از این حساسیت قرآن استفاده کرده و مراتب انس با قرآن را با ظرافت و دقت طی کرده و در مراحل ابتدایی انس با قرآن توقف نکند، چرا که در این صورت از هدایت و نعمت‌ها و رهنمودهای قرآن بهره‌مند نخواهد شد.

از خداوند متعال خواهانیم یاریمان نماید تا از راه و مسیر صحیح با قرآن انس پیدا کنیم.

ادامه دارد...

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۳)



«السلام علیک یا داعی اللّٰه و ربّانی» - آیاتہ»

برای ارتباط مستمر با قرآن و لذت بردن از این ارتباط و روحیه ی شادابی و نشاط و تحرک کسب کردن، باید رمز و راز آشنایی و انس با قرآن را دانسته و عالم و عامل به آنها بود.

اگر انسان مراتب انس با قرآن را نداند و یا اگر بداند اما در این مراحل درجا زند، چه بسا قرآن چنین فردی را به هلاکت برساند، و با وجود حافظ و قاری قرآن بودن، قاتل ناطق و تالی قرآن شود، که تاریخ، شاهد این اتفاقات بوده است، و نمونه ی آن ابن ملجم که معلم الفاظ ظاهری و حافظ و قاری قرآن بود اما سرانجام قاتل ناطق قرآن شد و صفت اشقی الاشقیاء را مختص خود نمود و به شقاوت دنیوی و اخروی رسید.

پس لازمست انسان با مراحل و عوامل انس آشنا شود و بداند که کدام قرائت و چه نوع حفظ قرآن، برای انسان نجات بخش است.

■ اگر انسان حافظ قرآن باشد اما مفهوم و نشانه های قرآن را درک نکند، این انسان قاتل قرآن ناطق خواهد شد.

■ اگر انسان خود را به قرائت قرآن دلخوش کند و در این مرتبه بماند، خود را به جایی می رساند که در عین حالی که ظاهراً قرآن میخواند بر فرق قرآن ناطق شمشیر زهراگین زده و مولا علی(ع) را در خون می غلطاند.

□ برای محفوظ شدن از این خطرات چه باید کرد؟

تنها ترین چاره ی کار، روی آوری به شرکای قرآن و دست به دامان اهل بیت عصمت و طهارت زدن می باشد، توسل و تمسک به آن بزرگواران چرا که تنها امامان معصوم(ع) هستند که میتوانند انسان راهنمایی و مقدمات انس با قرآن را برایش فراهم کنند و انس را به مراحل پایانی انس با قرآن برسانند که همانا «تغییر رفتار و پیدا کردن نگاه قرآنی و رفتار قرآنی» می باشد.

انسان باید در این مرحله با امامان پیوند ایجاد کرده و با آنان

معیت داشته باشد «السلام علیک یا داعی الله و ربّانی آیاته»، که همگی دعوت کننده و هدایت کننده به سمت خداوند متعال هستند. این دعوت کردن ممیزه‌هایی لازم دارد که حضرات معصومین(ع) همه ی این ویژگی‌ها را دارا هستند؛ بطوریکه:

□ امامان معصوم از جهل و خطا و لغزش و نادانی مصون و محفوظ هستند و علم و عصمت و توانایی دارند.

□ همچنین امام معصوم «ربّانی» است.

«ربّانی آیاته» بودن امام چند معنی در خود دارد:

✓ یعنی تمسک و توسل امام معصوم به خدا محکم می باشد.

✓ اطاعت از حق و خدا در وجودش از همه بیشتر است.

✓ مربی و تربیت کننده هستند و در اصل تربیت و پرورش دادن آیات

خدا و به رشد و کمال رساندن آنها به معصومین سپرده شده است.

✓ معنی دیگر «ربّانی» اینکه بیشتر از همه نشان‌دهنده خدا هستند،

این بزرگواران علامت و عَلام پروردگار متعال می‌باشند، بعبارتی

هرکس ربّانی باشد، در حقیقت حکمت بالغه پروردگار متعال است و

بهترین مصداق و اتمّ و اکمل این حکمت، امامان معصوم(ع) می باشند.

✓ ربّانی یعنی پرورش یافته و پرورش دهنده می‌باشد.

✓ ربّانی مهدی و هادی است.

حضرت رسول اکرم خطاب به امام علی(ع) می فرماید:

«یا علی تو «ربّانی» این امت هستی».

یعنی تمام ممیزه‌ها در وجود علی(ع) موجود است.

پس با توجه به مطالب فوق در می‌یابیم که:

□ امام معصوم داعی و ربّانی است.

□ امام معصوم روشن کننده آیات الهی است.

□ امام معصوم پرورش دهنده ی آیات الهی است.

□ و امام معصوم آشنا و عالم به محکّمات و متشابهات قرآن می‌باشد.

□ امام معصوم است که دست انسان را گرفته و در طی کردن مراحل انس

با قرآن، انسان را همراهی می‌کند و میزان توقف و استفاده در مراحل

انس را به انسان می آموزد.

□ امام معصوم به عنوان ناطق و معبّر قرآن، دست انسان را گرفته و

آیات الهی را برایش بیان می کند.

از خدا می خواهیم توفیق دهد تا با پیوند با امام معصوم، با قرآن

انس پیدا کنیم.

ادامه دارد...

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۲)



السلام عليك يا داعي الله و رباني آياته
السلام عليك يا ابا صالح المهدي

سلام بر دعوت کننده به سوی پروردگار متعال و سلام بر پرورش دهنده ی آیات قرآنی

انس با قرآن و ارتباط مستمر و صمیمی و آرامبخش با قرآن امر بسیار پیچیده و در عین حال ساده و جذاب و خیلی مهم می باشد. انس با قرآن مراتب و مراحل دارد که اگر انسان این مراتب را طی نکند، در مراتب پایین ماندن ایجاد فاصله با قرآن کرده و باعث قطع ارتباط با قرآن ناطق نیز می گردد، که در تاریخ اسلام با چنین جریان شومی مواجه شده ایم، همان به شهادت رسیدن قرآن ناطق توسط قاری و حافظ قرآن... در این جریان تلخ، کسانی که طالب انس با قرآن بودند توانستند درس های مهمی از این واقعه اخذ کنند، و در ایجاد انس و پیوند با قرآن قدم هایی بردارند، بدین ترتیب که انسان طالب انس با قرآن به ۳ مرحله زیر توجه دارد:

۱_ نگاه به قرآن با هدف پیدا کردن نگاه قرآنی

۲_ قرائت قرآن به نیت دانستن آنچه می خواند.

۳_ و حفظ قرآن به نیت پاک شدن قلب، و شستشو دادن قلب و مشاعر خود در برابر دستیابی به حیات طیبه و قرآنی.

انسان طالب انس با قرآن، قرائت قرآن را برای خود مشغولیت ندانسته و در این مرحله درجا نزده و با قرائت قرآن قصد رسیدن به مرحله ی تلاوت را دارد.

و تلاوت قرآن را به نیت و فهم و معرفت یافتن به آیات قرآن و این معرفت افزایی را به خاطر عمل کردن به آیات الهی انجام می دهد؛ و انسانی که درصدد عمل به آیات هست، به رفتار و کردار قرآنی مجهز می شود.

با طی این مراحل انسان به مراحل انس با قرآن دست پیدا می کند، و

باید توجه داشته باشد که در این مرحله هم ایستایی وجود ندارد و لازمست پیش رود. چون ایستایی برابر با ضلالت و در پی آن مبارزه و مجادله با قرآن ناطق می‌باشد.
نمونه ی عینی و بارز این ضلالت، ابن‌ملجم مرادی است که از گروه مارقین بود.

مارقین چه کسانی بودند؟

این گروه اعتقادات مخصوصی داشتند، و ممیزه‌های آنان جهل و تعصب و تسلب و جمود و تهجر فکری بود. به عبارتی عابدان خشک و نادان و احمق.

این گروه برای جبران ضعف‌های خود به قرائت جزءهای قرآن اکتفا نموده و از آن لذت می‌برند و رتبه‌ها و مقامات خود را در جزء خوانی می‌دانند و به طواهر قرآن و طواهر شریعت تأکید کرده و به آن تشویق می‌کنند.

لذا کسانی که در پی انس با قرآن هستند، از حال و احوال این گروه عبرت می‌گیرند، و مراحل انس با قرآن را با شوق و انگیزه طی می‌کنند.

در ادامه این موضوع نحوه ی طب کردن مراحل قرآن به سمع و نظر شما خواهد رسید.

از خداوند متعال توفیق انس با قرآن و انس با شرکای قرآن برای همه شما درخواست می‌گردد.
ادامه دارد...

انس با قرآن، تکامل عقلانیت، معنویت و عدالت (۲۱)

السلام علیک یا شریک القرآن
السلام علیک یا صاحب الزمان

ایام شهادت مولی‌الموحدین ناطق قرآن حضرت علی‌بن‌ابیطالب(ع) و ایام شبهای قدر و دهه پایانی ماه مبارک رمضان می‌باشد.
موضوع انس با قرآن موضوع بسیار مهم و پیچیده و در عین حال ساده

است، رمز و راز ارتباط مستمر و پیوند دائمی با موجودی به نام قرآن.
که برای بهتر روشن شدن این موضوع، مطلبی مهم خدمتان ارائه می گردد، در این روزها:

□ حافظ قرآن ابن ملجم پلید، ناطق قرآن امیر مؤمنان را به شهادت رساند.

□ قاری قرآن به تالی قرآن حمله برد.

□ غافل و مشغول طاهر الفاظ مشمول بطون قرآن را به شهادت رساند.

□ روح ناپاک به روح قرآن حمله ور شد.

□ آموزگار جهل مدرس علم و عقل را به خونش رنگین کرد.

□ جسم ناپاک و جنب، جنب الله را نشانه رفت.

□ دست پلید یدالله را به شهادت رسانید.

!؟ اما واقعا چگونه می شود حافظ قرآن و قاری قرآن به ناطق قرآن حمله می کنند؟

!؟ چه اتفاقی باعث می شود و قرآن چه موجودی است که قاری قرآن با مدبر قرآن درگیر می شود و نمی تواند قاری قرآن، وجود تالی و مدبر قرآن را تحمل نماید؟

!؟ جهل و تعصب و تصلب و جمود و تهجر فکری چه هست که انسان را علیرغم انس ظاهری و ارتباط نزدیک با قرآن، به جایی می رساند که با صاحب قرآن درگیر می شود؟

پس موضوع مهمی است، با توجه به مناقشه ی حفظ قرآن با تالی و ناطق قرآن در صدر اسلام، ۳ گروه با سه نوع عملکرد با قرآن مواجه شده اند:

1□ گروهی با توجه به این درگیری از قرآن فاصله گرفته و به غفلت گرفتار شدند، نه با ظاهر قرآن و نه با باطن قرآن کار داشته و به شقاوت و بدبختی رسیدند.

2□ گروه دوم با بهانه ی این جریانات، عقده گشایی نمودند و برای اینکه قرآن را نشانه گرفته و از بین ببرند بدون توجه به ناطق قرآن به ظاهر قرآن حمله کرده، قرائت و تلاوت قرآن و حفظ و پاسداری و طهارت قرآن را قبول نکرده و به آن حمله شدید نموده و همه را بی فایده انگاشتند؛ که این گروه هم جزو گروه ضالین و گمراه هستند که به جای انس با قرآن از طریق ناطق قرآن، به ظاهر قرآن حمله نموده و جهت مهجور و مظلوم نمودن آن حتی به تلفظ قرآن هم بی توجه شده و از آن کنار گرفتند.

3 □ گروه سوم که گروه ناجی می‌باشند از این جریان‌ات و درگیری حافظ قرآن با ناطق قرآن درس‌ها گرفته و استفاده‌ها نمودند، اینان به ریشه‌ی اختلاف حافظ قرآن با ناطق قرآن و قاری قرآن با تالی قرآن پی بردند و متوجه شدند که انسان برای انس با قرآن چه کند، و متوجه شدند که برای ایجاد انس با قرآن، به چه کاری باید روی آورده و رمز و راز آن را بیابند.

این گروه با توجه به آموزه‌هایی از ناطق قرآن و عالمان نافع و معلمان علم نافذ، در کنار امام معصوم و پیوند با ایشان، و با محبت و شناخت و معیت و اطاعت از امام معصوم، با قرآن انس پیدا کرده و خود را به بهترین قرآن‌خوان و قاری و حافظ و تالی و مدبر و تدبیرکننده از آیات قرآن، تبدیل کرده‌اند، بعبارت دیگر به قرآن نگاه کرده و نگاه قرآنی یافتند.

این گروه، گروه سعادت‌مند بوده که از خدا می‌خواهیم ما را جزو این گروه مقرر بفرماید.

ادامه دارد...